

مجالس رمضانی



مجلس هشتم

گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا



علامه محمد بن صالح العثیمین رحمه الله

ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

ستایش مخصوص پروردگار یگانه بزرگ جبار است، آن توانای قوی قهار متعالی که ذهن‌ها و چشم‌ها از درکش عاجزند و هر مخلوقی را نیازمند آفرید و آثار قدرت‌ش را با آمد و شد شب و روز نشان داد. ناله زیان‌دیدگان را می‌شنود و صدای پاهای مورچه سیاه را در شب تاریک می‌شنود و پنهان درون‌ها و رازهای نهان را می‌داند. صفات او مانند ذات اوست و آنان که او را به خلقش تشبیه می‌کنند کافرند. به هرآنچه او در قرآن و سنت خودش را به آن وصف کرده اعتراف داریم. **اَفَمَنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرًا مِّنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ**

شَفَا جُرْفٍ هَارٍ {توبه: ۱۰۹} (آیا کسی که بنیان [کار] خویش را بر پایه پرهیزگاری و رضایت الله بنا نهاده بهتر است یا کسی که بنیان خویش را بر لبه پرتگاهی در شُرُف ریزش [و سقوط] بنا نهاده است). او را برای خوشی‌ها و ناخوشی‌ها سپاس و ستایش می‌گوییم.

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که یکتا و بی‌شریک است و خلق و تدبیر را به تنهایی بر عهده دارد؛ **{وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ}** [قصص: ۶۸] (و پروردگارت هرچه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند). و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او، بهترین پیامبران است. درود و سلام خدا بر او و یار غار او ابوبکر و بر عمر، سرکوبگر کافران و بر عثمان، شهید خانه، و بر علی، نمازگزار سحرگاه، و بر آل و اصحابش به ویژه مهاجرین و انصار.

برادران و خواهران من: پیش‌تر درباره هفت گروه از مردم در امر روزه سخن گفتیم و اینک، بقیه گروه‌ها:

گروه هشتم:

زنی که در عادت ماهیانه به سر می‌برد. روزه بر این زنان حرام است و درست نیست؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: «هیچ ناقص عقل و دینی نمی‌تواند مانند یکی از شما، مردان عاقل را فریب بدهد». گفتند: ای رسول خدا، نقصان عقل و دین ما چیست؟ فرمود: «مگر نه این است که گواهی یک زن، نصف گواهی مرد محسوب می‌شود؟» گفتند: آری. فرمود: «این خود، نشانگر نقص عقل آنان است. مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی، نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد؟» گفتند: آری. فرمود: «این هم دلیلی بر نقص دین آنان است». متفق علیه^۱.

۱- به روایت بخاری: کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم (۳۰۴)، و مسلم: کتاب الإيمان، باب بيان نقصان الإيمان بنقص الطاعات (۸۰)، از حدیث ابوسعید خُدْری رضی الله عنه.

حیض: خون‌ریزی طبیعی است که به شکل معمول در ایام مشخصی برای زنان رخ می‌دهد.

هرگاه خون عادت ماهیانه در حال روزه دیده شود - حتی اگر لحظه‌ای پیش از غروب باشد - روزه آن روز باطل می‌شود و باید قضای آن را ادا کند، مگر آنکه روزه مستحب باشد که قضای آن نیز مستحب است و واجب نیست.

و اگر در اثنای روز رمضان از حیض پاک شد روزه بقیه روزش درست نیست زیرا در آغاز روز مانعی وجود داشته که منافی درستی روزه بوده است. اما آیا لازم است که ادامه روز را امساک کند؟ علما در این باره اختلاف نظر دارند چنانکه در بحث مسافری که روزه دار نبوده و در اثنای روز رمضان به شهرش برگشته است بیان کردیم.

و اگر در شب رمضان - حتی لحظه‌ای پیش از طلوع فجر - پاک شود واجب است که آن روز را روزه شود، زیرا او از اهل روزه است و چیزی

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

وجود ندارد که مانع از وجوب روزه آن روز شود، بنابراین واجب است که روزه شود و روزه‌اش در این حالت صحیح است حتی اگر پس از طلوع فجر غسل کند، مانند جُنُب که اگر روزه شود و پس از طلوع فجر غسل کند، روزه‌اش درست است. به دلیل سخن عایشه رضی الله عنه که می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در حال جنابتِ جماع و نه جنابت ناشی از احتلام، شب را به صبح می‌رساند و سپس در ماه رمضان روزه می‌شد». متفق علیه.^۱

زنی که در حالت نفاس (خون‌ریزی ناشی از زایمان) به سر می‌برد نیز در همه موارد ذکر شده همانند زنی است که در عادت ماهیانه است.

او باید به تعداد روزهایی که روزه نشده، قضایش را به جا بیاورد؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: **{فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ}** [بقره: ۱۸۴] (پس [به جای

۱- به روایت بخاری: کتاب الصوم، باب اغتسال الصائم (۱۹۳۱) و مسلم: کتاب الصیام، باب صفة صوم من طلع علیه الفجر وهو جنب (۱۱۰۹).

آن [تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]]. از عایشه رضی الله عنها پرسیده شد: چرا حائض روزه را قضا می‌کند اما نماز را قضا نمی‌کند؟ فرمود: «ما چنین می‌شدیم [یعنی دچار عادت ماهیانه می‌شدیم] سپس امر می‌شدیم که قضای روزه را انجام دهیم اما امر نمی‌شدیم که قضای نماز را به‌جا آوریم». به روایت مسلم.

گروه نهم:

زن اگر به کودکش شیر می‌دهد یا حامله است و برای خودش یا کودکش ترسید که روزه برای او یا کودکش زیان داشته باشد، روزه نمی‌شود. به دلیل حدیث انس بن مالک کعبی رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله تعالی نصف نماز را از مسافر، و روزه را از مسافر و زن باردار و زنی که به کودکش شیر

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

می‌دهد برداشته است». به روایت پنج تن از اصحاب حدیث و این لفظ

ابن ماجه است.^۱

همچنین بر او لازم است که به تعداد روزهایی که روزه نشده هرگاه برایش امکان داشت و ترسش برطرف شد قضایش را انجام دهد، مانند بیماری که از بیماری‌اش شفا یافته است.

گروه دهم:

کسی که برای ضرورت کسی دیگر روزه‌اش را بخورد، مانند کسی که می‌خواهد جان یک انسان معصوم^۲ را از غرق شدن یا آتش سوزی یا از

۱- این حدیث، حسن است. (مؤلف).

به روایت احمد (۳۴۷ / ۴) و ابوداود: کتاب الصیام، باب اختیار الفطر (۲۴۰۸) و ترمذی: کتاب الصوم، باب ما جاء فی الرخصة فی الإفطار للحبلى والمرضع (۷۱۵) و نسائی: کتاب الصیام، باب وضع الصیام عن الحبلى والمرضع (۲۳۱۵) و ابن ماجه: کتاب الصیام، باب ما جاء فی الإفطار للحامل والمرضع (۱۶۶۷).

۲- معصوم یعنی هر انسانی که کشتنش حرام باشد. (مؤلف).

زیر آوار نجات دهد یا دیگر موارد. اگر شخص نتواند جان دیگری را نجات دهد مگر با تقویت خود و خوردن و نوشیدن، برای او جایز است که روزه اش را بخورد و بلکه این کار در چنین حالتی واجب است؛ زیرا نجات جان معصوم از مرگ واجب است و آنچه واجب بدون آن امکان نیابد، خود نیز واجب است. سپس لازم است که قضای آن روزه را به جا آورد. همانند آن کسی است که برای جهاد در راه الله و نبرد با دشمن نیاز به تقویت خود داشته باشد. او اجازه دارد که روزه نشود و سپس آن را قضا کند، چه این جهاد در سفر باشد یا در سرزمین خودش در صورتی که دشمن به آنجا حمله کرده باشد؛ زیرا این دفاع از مسلمانان و بالا بردن کلمه الله است.

در صحیح مسلم از ابوسعید خُدَری رضی الله عنه روایت است که گفت: همراه با رسول الله در حالی که روزه بودیم به سوی مکه بار سفر بستیم، پس در جایی توقف کردیم و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «**شما گروهی هستید که به دشمنان نزدیک شده‌اید و روزه**

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

نشدن برای قوی‌تر شدن شما بهتر است. و این رخصت بود، پس برخی از ما روزه ماندیم و برخی روزه‌مان را باز کردیم. سپس در جایی دیگر اتراق کردیم و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«شما صبح هنگام بر دشمن خود یورش خواهید برد، و روزه نشدن برای قوی‌تر شدن شما بهتر است؛ پس روزه نشوید»**. و این امر قاطع بود (یعنی رخصت نبود)، بنابراین روزه نشدیم.^۱

این حدیث اشاره به این دارد که قدرت داشتن برای نبرد یک سبب مستقل از سفر است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم علت امر به روزه نشدن را قوی شدن برای نبرد با دشمن ذکر کرده نه سفر، بنابراین در اتراق نخست آنان را امر قاطع نکرد که روزه خود را باز کنند.

هرکس که بنا بر سببی روزه نشدن برایش جایز باشد، در صورتی که آن سبب یک سبب آشکار باشد مانند بیماری یا پیری که به سبب بیماری و

۱- به روایت مسلم: کتاب الصیام، باب أجر المفطر فی السفر إذا تولى العمل (۱۱۲۰).

پیری توانایی روزه را نداشته باشند، در صورتی که روزه نبودنش را علنی کند نباید کارش را انکار کرد. اما اگر سبب افطارش پنهان باشد مانند روزه نشدن زنی که در عادت ماهیانه است یا کسی که برای نجات جان معصوم روزه‌اش را خورده است، این افراد به شکل پنهانی روزه نمی‌شوند و روزه نبودن خود را اعلان نمی‌کنند تا اینگونه مورد اتهام قرار نگیرند و نادان‌ها فریب او را نخورند و گمان نکنند که روزه نشدن بدون عذر جایز است.

هر یک از گروه‌های پیشین که قضا برایش لازم بود باید به تعداد روزهایی که روزه نشده قضا را به جا آورد، زیرا حق تعالی می‌فرماید: **{فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ}** [بقره: ۱۸۴] (پس [به جای آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]). پس اگر همه ماه را روزه نشد لازم است که همه روزهای آن را قضا کند، پس اگر آن ماه سی روزه بود لازم است که سی روز قضا بگیرد و اگر بیست و نه روز روزه نشده باید بیست و نه روز قضا کند.

| مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

بهتر آن است که قضا را پس از آنکه عذرش برطرف شد هرچه زودتر انجام دهد زیرا این شتافتن به سوی خیر است و اینگونه آنچه بر عهده‌اش بوده را زودتر ادا کرده است.

تاخیر قضا تا وقتی که میان او و رمضان بعدی به اندازه تعداد روزهای قضایش باقی مانده باشد جایز است؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: **فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرٍ يُدِّ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ** [بقره: ۱۸۵] ((باید به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است) روزهای دیگری [را روزه بگیرد]).
الله (با بیان این احکام،) برایتان آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد. تاخیر قضا از کمال آسان‌گیری است؛ یعنی اگر ده روز از رمضان پیشین مانده باشد می‌تواند تا وقتی که میان او و رمضان بعدی ده روز مانده، آن را به تاخیر اندازد.

اما تاخیر قضا تا رمضان بعدی بدون عذر جایز نیست؛ زیرا عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: «گاه قضای رمضان [پیشین] بر عهده من بود، پس

نمی‌توانستم آن را قضا کنم مگر در شعبان». به روایت بخاری،^۱ از سوی دیگر تاخیر آن را تا رمضان دوم باعث می‌شود روزه‌هایش متراکم شود و جمع شود و چه بسا از قضای آن ناتوان شود یا مرگش فرا رسد و آن را قضا نکرده باشد؛ همچنین روزه یک عبادت تکرار شونده است و جایز نیست که روزه رمضان قبل را تا رمضان بعدی به تاخیر انداخت، مانند نماز.

اما اگر عذرش ادامه داشت تا آنکه مرگش فرا رسید، چیزی بر عهده او نیست؛ زیرا الله سبحانه و تعالی قضای آن در روزهای دیگر را برایش واجب کرده بود اما امکانش برای او فراهم نشده در نتیجه از او ساقط می‌شود. مانند کسی که پیش از فرا رسیدن ماه رمضان از دنیا برود که در این صورت روزه‌اش نیز بر او لازم نیست. اما اگر توانست قضا را انجام

۱- به روایت بخاری: کتاب الصوم، باب متى یقضی قضاء رمضان (۱۹۵۰) و مسلم: کتاب الصیام، باب قضاء رمضان فی شعبان (۱۱۴۶).

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

دهد و با این حال تا هنگام مرگش سهل انگاری کند، ولیّ او به جایش همه آن را روزهایی را که می‌توانست قضا کند و قضایش را انجام نداده، به جا می‌آورد. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هرکه بمیرد و روزه‌ای بر عهده او باشد، ولیّ اش به جایش روزه می‌گیرد». متفق علیه.^۱ ولیّ او یعنی وارث یا نزدیک او از نظر خویشاوندی.

همچنین جایز است که یک گروه به تعداد روزهایی که روزه نشده یک روز به جایش روزه بگیرند (یعنی مثلا اگر بیست روزه قضا داشته باشد، بیست نفر از خویشاوندانش یک روز برایش روزه شوند). امام بخاری

۱- به روایت بخاری: کتاب الصوم، باب من مات وعليه صوم (۱۹۵۲) و مسلم: کتاب الصیام، باب قضاء الصیام عن المیت (۱۱۴۷) از عایشه رضی الله عنها.

رحمه الله می گوید: حسن بصری می گوید: اگر سی مرد به جایش یک روز روزه شوند جایز است!^۱

و اگر ولی نداشت - یا ولی داشت ولی نمی خواست به جایش روزه شود - از ماترک او به جای هر روز که می توانست قضا کند و نکرده به یک بینوا غذا داده می شود؛ برای هر بینوا یک مُدّ گندم که وزن آن بر اساس گندم مرغوب، نیم کیلو و ده گرم است.

برادران و خواهران من: این گروه های مردم در احکام روزه بود که الله متعال برای هر گروهی همان چیزی را که مناسب حال و مقام آنان است مشروع ساخته، پس حکمت پروردگار را در این شریعت بشناسید و نعمت او را برای این آسان گیری شکر گوید و از او پایداری بر این دین تا هنگام مرگ را بخواهید.

۱- صحیح بخاری، پیش از حدیث شماره (۱۹۵۲).

مجلس هشتم: گروه‌های دیگر مردم در احکام روزه و قضا

بارالها گناهان ما را که میان و یاد تو جدایی انداخته بیمارز و کوتاهی ما را در طاعت و شکر خودت ببخش، و ما را بر راه خودت پایداری عطا کن و به ما نوری ببخش که با آن به سوی تو راه یابیم.

بارالها حلاوت مناجات خود را به ما بچشان و ما را در راه کسانی قرار ده که اهل خشنودی تو هستند. بارالها ما را از عوامل سقوط نجات ده و از غفلتمان بیدار کن و هدایتمان را به ما الهام کن و با کرم خود نیت ما را نیکو گردان.

بارالها ما را در رمزه متقیان محشور کن و به بندگان صالحت ملحق گردان و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر همه آل و اصحاب او.



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies